

تجزیه و مدیریت غیردولتی

واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی یکی از چالش‌های سال‌های اخیر ایران و همینطور برخی کشورهای دنیا بوده که باعث بروز مشکلاتی در فرآیند خصوصی‌سازی و همچنین عدم دستیابی به برخی اهداف تعیین شده آن شده است. این مشکل زمانی بروز می‌کند که بخش خصوصی توانایی و ظرفیت پذیرش و مدیریت شرکت‌های بزرگ دولتی را نداشته باشد. راهکاری که از سوی برخی کشورها در این مورد ارایه شده، تجزیه شرکت اصلی به چند شرکت کوچک‌تر می‌باشد تا امکان واگذاری آن به بخش خصوصی فراهم شود.

راه‌حل دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که نهادهای وابسته به دولت که قدرت مالی بالایی دارند، اقدام به خرید شرکت‌های بزرگ دولتی نمایند تا در واقع، آن شرکت‌ها به صورت غیردولتی مدیریت شوند، البته این اقدام باید با این فرض که مالکیت این نهادها بر شرکت‌های مذکور موقت باشد، صورت گیرد، چرا که هدف اصلی، واگذاری به بخش خصوصی است و مالکیت موقتی نهادهای بیان شده، جهت تغییر فضای حاکم بر شرکت‌های بزرگ دولتی و زمینه‌ساز انتقال به بخش خصوصی می‌باشد. لذا در طول مدت زمانی که این نهادها مالک موقت شرکت‌های بزرگ هستند، لازم است دولت زمینه‌های فرهنگ‌سازی و رونق بخش خصوصی را فراهم کند.

البته در مواردی که لازم باشد، می‌توان از روش تجزیه شرکت بزرگ به چندین شرکت کوچک‌تر هم در اجرای این مدل استفاده کرد. با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد ایران، می‌توان این مدل را - البته با رعایت این شرط که نهادهای خریدار شرکت‌های بزرگ دولتی به عنوان مالک دائم آن شرکت‌ها باقی نمانند و انتقال به بخش خصوصی صورت گیرد - روش مناسبی جهت اجرای اصل ۴۴ دانست.

تفکیک مالکیت و مدیریت

در رابطه با بحث واگذاری‌ها، لازم است دو مفهوم مالکیت و مدیریت را از هم جدا کنیم، چرا که در بحث خصوصی‌سازی آنچه مهم است مدیریت خصوصی است، نه صرفاً مالکیت خصوصی.

یکی دیگر از مسایل و مشکلات کشور در امر خصوصی‌سازی، فقدان تفکر مدیریت خصوصی در بین مدیران شرکت‌ها است. در حال حاضر، برخی شرکت‌های خصوصی به صورت مدیریت دولتی اداره می‌شوند که این باعث اُفت کارایی و بهره‌وری در عملکرد این شرکت‌ها شده است. راهکاری را که می‌توان در این رابطه ارایه کرد آن است که در فرآیند خصوصی‌سازی، ابتدا مدیریت بخش خصوصی جایگزین بخش دولتی شود و در مراحل بعدی انتقال مالکیت صورت گیرد. با انتقال مدیریت شرکت به بخش خصوصی، بهبود فضای کسب‌وکار و ارتقای کارایی از جمله مزیت‌هایی هستند که برای بنگاه ایجاد می‌شوند.

اثرات خصوصی‌سازی بر شاخص‌های اقتصادی

برای بررسی اثرات خصوصی‌سازی بر متغیرها و شاخص‌های اقتصادی، ابتدا بایستی این اثرات را به دو گروه کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم نماییم. اثرات کوتاه‌مدت خصوصی‌سازی در ایران به علت شرایط خاص کشور و گستردگی بیش از حد دولت و اثر مشکلات مذکور بر شاخص‌های اقتصادی، اغلب به صورت منفی بروز می‌کنند. به عنوان مثال، خصوصی‌سازی در کوتاه‌مدت باعث افزایش بیکاری می‌گردد، ولی با رونق گرفتن بخش خصوصی و توسعه فعالیت‌های آن، فضای اشتغال در کشور بهبود خواهد یافت و در واقع در بلندمدت اشتغال پایدارتری برای نیروی کار فراهم می‌شود. با رونق بخش خصوصی، ارزش افزوده در کشور ایجاد می‌شود و بخش تولیدی کشور شکوفاتر خواهد شد. در نتیجه، نوسانات برخی شاخص‌ها همچون تورم کاهش یافته و به صورت کنترل‌شده‌تری حرکت خواهند کرد. ■

ناکارآمدی تحریم‌ها علیه ایران

تئوری شکاف در وحدت

از نگاه مؤسسه Washington تحریم‌های غرب و آمریکا علیه ایران کارآمد نبوده‌اند.

از زمانی که وجود سایت مخفی غنی‌سازی اورانیوم ایران - به قول غرب - فاش شده تا زمانی که نتیجه مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ به طور قطع مشخص شود، تحریم‌ها جدی‌ترین بحث ارتباط ایران و آمریکا هستند. در این راستا تاکنون تحریم بنزین، بیمه و بانک‌های ایران از جمله پیش‌فرض‌های موجود بوده است. به هر حال، اساسی‌ترین مسأله، یعنی اهداف و نیت‌های این تحریم‌ها اغلب مورد توجه قرار نگرفته‌اند. برای آمریکا و متحدانش کلید موفقیت، بیان این مسایل اساسی و سپس استفاده از اصول راهنما برای تعیین اقدامات بعدی است.

اهداف تحریم‌ها

اگرچه هدف اولیه تحریم‌های در دست بررسی، رساندن ایران به یک بن‌بست هسته‌ای است، اما این تحریم‌ها ممکن است در راستای تصورات آمریکا و غرب، اثرات دیگری از جمله اثبات دیپلماسی خلاق، کُند کردن روند برنامه هسته‌ای و بازداشتن ایران از حمایت از تروریسم داشته باشند. اهمیت و میزان تأثیر هر تحریمی نباید با چگونگی اثرات مخربی که بر ایران



ایران به خودی خود یک هدف محسوب نمی‌شود، اما ممکن است این تنها راه ممکن برای تغییر مسیر هسته‌ای ایران باشد.

اتفاقات ماه‌های اخیر نشان داده است که تحریم‌هایی که هزینه‌های زیادی را بر مردم عادی اعمال می‌کنند، لزوماً مؤثر نمی‌باشند. به طور حتم، اهداف دیگر مثل کُند کردن روند برنامه هسته‌ای به طور همزمان، می‌تواند دلیلی برای برداشتن قدم‌های متفاوت دیگر باشد.

حقوق بشر؟

اعمال تحریم در مورد نقض حقوق بشر می‌تواند راه دیگری باشد. اگر

همراه داشته باشند، بر برنامه هسته‌ای متمرکز خواهند بود، در حالی که اروپا و آمریکا خواهان چیزی بیشتر از رسیدن ایران به بن‌بست هسته‌ای هستند. ممکن است تصمیم جامعه بین‌الملل - یا می‌توان گفت فقط غرب - این باشد که تحریم‌ها بر استدلال استراتژیک رهبران ایران تأثیر گذارد!

چشم‌انداز

یکی از مشکلات بزرگی که در کنار آمدن با ایران برای تغییر نظر در سیاست هسته‌ای آن وجود دارد این است که برخی از افراد در حکومت معتقدند غرب به هر طریقی به دنبال براندازی جمهوری اسلامی است، اما برخی دیگر نظر خوش‌بینانه‌تری دارند و معتقدند که جامعه بین‌الملل به ایران اجازه خواهد داد سیاست‌های فعلی خود را دنبال کند و بنابراین این افراد از برقراری مذاکرات استقبال می‌کنند، زیرا آنها انتظار دارند غرب سرانجام تسلیم خواهد شد. ■

این تحریم‌ها از سوی شورای امنیت تصویب شود، ضروری است که بر مبارزه با گسترش سلاح‌های هسته‌ای در جهان تأکید شود تا بتوان حمایت روسیه و چین را هم در این زمینه به دست آورد. آمریکا و دیگر کشورهای متحد با آن می‌توانند به محض تصویب قطعنامه بر جنبه‌های حقوق بشر تأکید کنند.

علاوه بر این، اتحادیه اروپا و آمریکا - در مبارزه با نقض حقوق بشر - چندین بار بدون حمایت سازمان ملل تحریم‌های مربوط به حقوق بشر را در مواردی مثل برمه و زیمبابوه اعمال کرده‌اند. این نوع تحریم‌ها اگر از سوی بیشتر کشورهای صنعتی مورد تأیید واقع شوند، تأثیرگذارتر خواهند بود. آمریکا برای اجرای تحریم‌هایی علیه ایران که از سوی سازمان ملل حمایت نشود، به طور حتم به دستورهای اجرایی جدیدی نیاز پیدا می‌کند که این خود تأکیدی بر اهمیت دیدگاه اوپاما نسبت به مسأله ایران است. تحریم‌هایی که شاید حمایت روسیه و چین را در شورای امنیت به

سپر دفاع موشکی آمریکا و روسیه

اصرار دیروز، انکار امروز



سپر دفاع موشکی آمریکا در لهستان و چک که در زمان بوش ضرورتی انکارناپذیر به حساب می‌آمد، در عصر اوپاما برچیده شد.

از استقرار سپر موشکی اعلام کرد: آمریکا سیستم بهتری را جایگزین آن می‌کند؛ سیستمی مقرون به صرفه‌تر و با فناوری عالی‌تر نسبت به سپر موشکی که منافع روسیه هم در آن لحاظ شود. بحث بحران اقتصادی جهانی و مشکلات آمریکا در عراق و افغانستان می‌تواند یکی از مهمترین پارامترهای عقب‌نشینی آمریکا باشد. از سوی دیگر، اوپاما سعی دارد جهت حل مشکلات خود با ایران و کره‌شمالی و مقابله با توسعه‌طلبی چین، روسیه را شریک خود قرار دهد و به همین جهت، سیاست اتحاد با روسیه را در مقابل تروریست‌ها و توسعه‌طلبی‌های چین مدنظر قرار داده است، اما گمانه‌زنی‌ها در خصوص برنامه آتی آمریکا جهت ایجاد سپر دفاعی هنوز ادامه دارد.

برخی تحلیلگران امکان ایجاد سیستم ضد موشکی جدید آمریکا را در اوکراین، ترکیه و سرزمین‌های اشغالی ممکن می‌دانند. اما واقعیت آن است که روند شرایط جهانی که همراه با ظهور قدرتهای اقتصادی و نظامی جدید همچون چین، هند، روسیه و برزیل تغییر نموده، شرایط را برای آمریکا دشوار کرده است. از سوی دیگر، استقلال مالی و تا حدودی سیاسی مستقل اروپا از آمریکا رقابت‌هایی را میان دو متحد قدیمی ایجاد کرده است.

در نهایت باید گفت سپر موشکی آمریکا به سرنوشت جنگ ستارگان دچار شده است و در سال‌های آتی، علیرغم وعده اوپاما هیچ سیستم دفاع موشکی از سوی آمریکا به صورت عملیاتی در منطقه به اجرا در نخواهد آمد و آمریکا در حال حاضر سیاست اتحاد ارتباط نزدیک را با روسیه، هند و برزیل پیگیری می‌نماید که هدف عمده آن، مقابله با آژدهای زرد در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی است. ■

جرج بوش، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، با هدف مقابله با تروریسم و حفاظت از مرزهای آمریکا و هم‌بیمانان اروپایی خود طرح سپر دفاع موشکی را در شرق اروپا مطرح نمود. این طرح با حمایت ناتو مواجه و حتی در نشست ۱۹ آوریل ۲۰۰۷ بروکسل، ایجاد سپر دفاع موشکی امری ضروری به حساب می‌آمد. اگر به گذشته برگردیم به یاد می‌آوریم که در اوج رقابت جنگ سرد بین آمریکا و شوروی، طرح جنگ ستارگان از سوی رانالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا پیشنهاد و پیگیری شد، اما آن طرح به دلایلی همچون هزینه بالا، فروپاشی شوروی و عدم اجرایی بودن ناکام ماند. در طرح جدید جرج بوش که به نوعی مکمل طرح جنگ ستارگان بود - با این تفاوت که آمریکا بهانه ایجاد چنین سپری را تروریسم می‌دانست و سعی می‌کرد از این موضوع اهداف سیاسی را در سطح جهان پیگیری نماید - بحث پرونده هسته‌ای ایران و بهانه قرار دادن ایران و کره‌شمالی به پیشرفت در فناوری موشکی توجیهی برای استقرار این سامانه در لهستان و چک قرار گرفت.

این موضوع در حالی با استقبال کشورهای اروپایی روبه‌رو شد که روسیه - بزرگ‌ترین رقیب سیاسی و نظامی آمریکا - به این موضوع به شدت اعتراض کرد. روسیه ایجاد سامانه موشکی آمریکا در اروپای شرقی را تهدیدی علیه امنیت ملی خود می‌دانست و به همین دلیل، ولادیمیر پوتین به شدت به این موضوع اعتراض و همکاری خود را با ناتو قطع کرد. اما طولانی شدن جنگ آمریکا در عراق و افغانستان، عدم حصول نتایج مورد نظر، اعتراضات منطقه‌ای و عدم اراده توجیهاتی مناسب جهت استقرار این سامانه در اروپای شرقی، تحقق این پروژه را به کند نمود. از سوی دیگر، مردم کشورهای چک و لهستان با استقرار این پروژه در کشورشان به سردی برخورد کردند. انتخابات آمریکا و پیروزی باراک اوپاما که با اهداف و ایده‌های جدیدی وارد صحنه بین‌المللی شده بود، شرایطی ایجاد کرد تا آمریکا بتواند با گرفتن امتیازاتی از روسیه با آبرو از این پروژه شکست‌خورده کناره‌گیری کند. اوپاما در بیاناتی با اعلام انصراف کشورش